

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵ Scopus

صص ۲۷-۱

مسئله کردی در روابط ایران و ترکیه

دکتر الهه کولایی* - استاد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران
رحمن حریری - دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران
بهناز اسدی کیا - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۹

چکیده

در فراز و نشیب روابط ایران و ترکیه، مسئله کردی آثار و پیامدهای داخلی و منطقه‌ای آشکاری داشته است. ملاحظات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران و ترکیه از دهه ۱۹۹۰ به بعد، آشکارا با نیازهای اقتصادی دو کشور پیوند یافته است. این نیازها همکاری دو کشور را معطوف به توجه به واقعیت‌های ژئوپلیتیک نموده است. هیچ‌یک از این دو کشور با نفوذ بر جنبش کردی در کشور دیگر؛ مشروعیت و ساختار نظام حکومتی دیگری را تهدید نکرده است. از طرفی رقابت‌های دو کشور در کردستان عراق و سعی در تأثیرگذاری بر تحولات مناطق کردنشین سوریه پس از بحران سوریه، حملات داعش علیه کوبانی، روابط دو کشور را به‌سوی تنش پیش برد. مسئله کردها و ملی‌گرایی کردی، به‌ویژه در کردستان عراق و مناطق کردنشین سوریه، موجب واگرایی در روابط ایران و ترکیه شده است. این نوشتار با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، روابط ایران و ترکیه را در پیوند با مسئله کردها از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۳ بررسی می‌کند. به‌نظر می‌رسد مسئله کردی بر سیاست‌های کلی ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی دو کشور تأثیر تعیین‌کننده‌ای نداشته است.

واژه‌های کلیدی: مسئله کردی، ایران، ترکیه، عراق، سوریه، کردستان.

۱- مقدمه

ایران و ترکیه با دسترسی به آب‌های آزاد و اقیانوس هند و نیز حلقه ارتباط میان آسیا و اروپا موقعیت خاص ژئوپلیتیکی در منطقه دارند. ترکیه با سابقه تاریخی امپراتوری عثمانی و ایران با حکومت بر گستره وسیعی از سرزمین‌های پیرامونی خود، دوره‌ای از رقابت‌های سرزمینی و سیاسی را پشت سر گذاشته‌اند و وارد دور جدیدی از رقابت‌ها شده‌اند. فروپاشی اتحاد شوروی، هر دو کشور را در کنار بازیگران دور و نزدیک، به بازیگران "بازی بزرگ" تبدیل کرده است (Koolae, 2009). در این میان، روابط ترکیه و ایران با مسئله گُردها، کم‌وبیش ارتباط داشته است. جمعیت قابل توجه گُردها در هر دو کشور اهمیت دارد. مشکلی به نام گُردها در ترکیه و درآمیختن آن با مسائل منطقه‌ای، از سال ۱۹۲۳ تا سال ۲۰۱۴ بر سیاست‌های این کشور تأثیرگذار بوده است. در سه دهه اخیر، ترکیه نزدیک به ۴۰۰ هزار سرباز در مناطق گُردنشین خود مستقر کرده است. جنگ با پکک میلیاردها دلار برای ترکیه هزینه داشته است و سیل مهاجرت چنان بوده که در حال حاضر نیمی از جمعیت برخی از شهرهای کنار مدیترانه را که در ۴۵ سال گذشته گُردی در آن‌ها زندگی نمی‌کرد، اکنون گُردها تشکیل می‌دهند (Olson, 2005: 45-98).

این موضوع از این نظر قابل توجه است که تلاش‌های دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۹۰ در ترکیه و سال‌های ۴۶-۱۹۴۵ و نیز ۸۳-۱۹۷۹ در ایران، موفقیتی نداشته و نتوانسته بر اساس ملی‌گرایی قومی، یکپارچگی دو کشور را مورد تهدید قرار دهد. ملی‌گرایی در ایران پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ بر قومیت بنا نشده بود و در ترکیه دهه ۱۹۹۰ هم ملی‌گرایی کمالیستی بر پایه قومیت مردم ترک و نخبگان حاکم، رو به ضعف نهاد و نشاط خود را از دست داد. به‌رحال در اواخر سال ۱۹۹۷ روشن شد که خواسته‌های ملی‌گرایی گُردی قابل انکار نیست.

پرسش اصلی این نوشتار این است که: مسئله گُردها در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۳ در روابط ایران و ترکیه چه تأثیری داشته است؟ به‌دنبال آن لازم است به برخی پرسش‌های فرعی نیز پرداخته شود از جمله: مسائل ایران و ترکیه در مناطق گُردنشین چیست؟ مسئله گُردها در روابط

ایران و ترکیه چه تأثیری داشته است؟ تحولات منطقه‌ای بر سیاست دو کشور در این زمینه، چه تأثیری داشته است؟

هرچند مسئله کردها و ملی‌گرایی کردی در مناطق کردنشین خاورمیانه، به‌ویژه در کردستان عراق و مناطق کردنشین سوریه، سبب تنش در روابط ایران و ترکیه شده و بر امنیت ملی دو کشور تأثیر داشته، ولی بر سیاست‌های کلان ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و موازنه منطقه‌ای دو کشور چندان تأثیرگذار نبوده است. در واقع توجه ترکیه و ایران به مدیریت مسئله کردی، با توجه به چالش‌هایی است که علایق وسیع‌تر آنها را تهدید می‌کند (Gülden, 2012: 85-114). برای تبیین سیاست دو کشور و جنبه فرامرزی مسئله کردها، نویسندگان تحلیل خود را در یک چارچوب نظری مبتنی بر الگوی «توازن قوا و موازنه جامع» انجام داده‌اند (Waltz, 1967: 215-231). این الگو بر این نکته تأکید دارد که با توجه به اهمیت تهدیدهای خارجی، در برابر تهدیدهای داخلی، اولویت به تهدیدهای خارجی داده می‌شود. این الگو در پیوند با مسئله کردها در مناسبات ایران و ترکیه پس از جنگ جهانی اول مورد توجه قرار گرفته است. هرچند تهدید داخلی کردها و پایداری آنان در برابر حکومت ترکیه در سال‌های ۱۹۲۳ تا ۱۹۹۷ الگوی "موازنه جامع" را تا حدودی تغییر می‌دهد.

نگرانی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران و ترکیه از دهه ۱۹۹۰، آشکارا با نیازهای اقتصادی دو کشور پیوند یافته است. این نیازهای اقتصادی دو کشور را ناگزیر ساخته در عرصه ژئوپلیتیک به‌گونه‌ای با یکدیگر رفتار کنند که هیچ‌یک نتواند با نفوذ بر جنبش کرد، مشروعیت و ساختار نظام حکومتی دیگری را تهدید کند. پیامدهای جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱، بر نقش محوری ترکیه و ایران در این زمینه تأثیرگذار بوده و به چالش ملی‌گرایی کردی هم دامن زده است. مسئله کردها در روابط ایران و ترکیه و نیز سیاست خارجی دو کشور در مناطق کردنشین خاورمیانه و نتایج آن، بر دیگر عرصه‌های سیاست خارجی دو کشور هم تأثیرگذار بوده است.

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر مسئله کردی بر روابط ایران و ترکیه، آثار و پیامدهای

تحولات در مناطق کردنشین مانند جنگ‌های خلیج فارس، اشغال عراق توسط آمریکا، حضور نیروهای داعش در عراق و سوریه، همراهی ائتلاف غرب به رهبری آمریکا با کردهای عراق و سوریه در این رویارویی، تحلیل آثار آن بر روابط ایران و ترکیه، ارزیابی جایگاه مناطق کردنشین خاورمیانه در سیاست خارجی ایران و ترکیه و تأثیر آن بر روابط دو کشور است. مطالعاتی که در این زمینه وجود دارد، بیشتر به کردهای عراق مربوط است. در مورد تأثیر مسئله کردی بر روابط ایران و ترکیه، مطالب اندکی بر این موضوع تمرکز داشته است. منابع موجود بیشتر در مورد تأثیرپذیری ترکیه از تحولات مناطق کردنشین و یا تأثیرپذیری کردهای ایران از خودگردانی کردهای عراق نوشته شده است. کتاب رابرت السن با عنوان «مسئله کردی در روابط ایران و ترکیه» پیش از سال ۲۰۰۰ به این موضوع پرداخته است. دیگر منابع به صورت کلی چالش‌ها و فرصت‌های منطقه‌ای را در روابط ایران و ترکیه بررسی کرده‌اند. یکی از این عوامل همگرا و گاه واگرا «مسئله کردها» بوده که در این آثار تجزیه و تحلیل شده است. مقاله‌ها و کتاب‌های مورد استفاده در این پژوهش، کمتر به صورت مستقل به تأثیر مسئله کردی در روابط ایران و ترکیه پرداخته‌اند.

۲- روش تحقیق

این پژوهش ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد و روش گردآوری اطلاعات آن کتابخانه‌ای، مبتنی بر بهره‌گیری از مکتوبات مرتبط، گزارشات، اطلاعات و داده‌های معتبر و به‌روز می‌باشد و مقالات و دیدگاه‌های مختلف در پایگاه‌های اینترنتی به دو زبان فارسی و انگلیسی مورد استفاده قرار گرفته است.

۳- چارچوب نظری

الف) تعاریف

کردها

کردها به عنوان بزرگترین گروه قومی بی سرزمین با جمعیتی پراکنده در مرزهای چند کشور مجاور هستند، شامل: شمال عراق، جنوب شرقی سوریه، شمال غربی ایران و جنوب شرقی ترکیه (1: Stratfor, 2004) که آرزوی تشکیل دولت مستقل کرد را مهر و مومها در ذهن داشته و بارها برای آن دست به مبارزه و یا شرکت در روندهای مسالمت آمیز زده‌اند. کردها چهارمین گروه قومی خاورمیانه با حدود ۳۰ میلیون نفر جمعیت هستند (Gabbay, 2014: 15) که در حال حاضر درگیر مهم‌ترین بحران قومی منطقه شده‌اند.

مسئله کردی

مسئله کردی مطالبات سیاسی و استقلال خواهانه کردها از اوایل قرن بیستم را شامل می‌شود. پس از جنگ جهانی اول تاکنون مسئله کردها همواره از مسائل پیچیده و جدی و قدیمی قومی منطقه خاورمیانه بوده و در راستای تأمین منافع مورد بهره‌برداری بازیگران هم در درون منطقه و هم بازیگران خارجی قرار گرفته است. این موضوع چهار کشور ترکیه عراق ایران و به میزان کمتری سوریه را درگیر خود کرده است. کردها نیز در جهت برآورد مطالبات سیاسی خود، در پی بهره‌گیری از فرصت‌های پیش‌آمده بوده‌اند که این خود به تشدید و پیچیده شدن هرچه بیشتر موضوع کردی و حل و فصل آن دامن می‌زند.

مناطق کردنشین^۱

مناطق کردنشین محل تلاقی چند سازه سیاسی: دولت‌های ایران، عراق، ترکیه و سوریه در فضای خاورمیانه است. مناطق کردنشین در میان چند تمدن کهن ایرانی، تورانی (ترک) و عربی (سامی) واقع شده است. از نظر هیدروپلیتیک نیز مناطق کردنشین خاورمیانه هارتلند

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد مناطق کردنشین رجوع شود به (Amini & Moghaddam, 2010: 186-210)

خاورمیانه محسوب می‌شوند علاوه بر آن منابع نفتی مهمی در آن منطقه وجود دارد.

پان کردیسم

جنبش ملی‌گرایانه مردم کرد که برای اولین بار در اواخر قرن ۱۹ با قیام شیخ عبیدالله در مخالفت با نظام عثمانی در ۱۸۸۰ آغاز شد. شکل‌گیری پان‌کردیسم نیز بر اساس مؤلفه‌های نژادی زبانی سابقه تاریخی و وقایع سیاسی (پیمان سور) شکل گرفته است. ایجاد تفکر پان کردی در برابر نادیده گرفتن پیمان سور ریشه گرفت. با استناد به این پیمان، کردها ادعای استقلال خود را مطرح می‌کنند. در سال ۱۹۲۰ انگلیس و فرانسه بر مبنای این پیمان متعهد شده بودند در مناطق کردنشین ترکیه دولت کرد موجودیت یابد.

ب) مبانی نظری

الگوی توازن قوا و موازنه جامع

واقعیت موجود در نظام بین‌الملل حاکی از این است که همه واحدهای سیاسی در راستای حفظ بقای خود و در جهت تأمین منافع ملی و امنیت ملی خود تلاش می‌کنند و با اتخاذ رویکردهای متفاوت و استراتژی‌های مناسب در مقاطع مختلف با به حداکثر رساندن منافع خود و دست‌کم کاهش دادن تهدیدها و آسیب‌های بالقوه، قدرت خود را در صحنه داخلی و پیرامونی همچنین در محیط بین‌المللی افزایش دهند. در واقع دولت‌ها با به‌کارگیری الگوهای امنیتی در برابر تهدید خارجی از خود حمایت می‌کنند (David, 1991: 233-256).^۱ کشورهای جهان سوم، ترجیح می‌دهند با دشمنان و مخالفان درجه دوم خود همکاری کنند تا بدین‌وسیله بتوانند منابع و امکانات خود را متوجه دشمنان خطرناک‌ترشان سازند. آنها کوشش می‌کنند در صف‌آرایی‌های علیه خود شکاف بیندازند و متحدان جهانی مخالفان داخلی را آرام

۱. برای مطالعه بیشتر در زمینه امنیت و دیدگاه‌های امنیتی کشورهای جهان سوم به نظرات و بحث دیوید در منبع زیر مراجعه شود: (David, 1991: 233-256)

کنند. جنبه اساسی «توازن جامع» این است که تصمیم‌هایی که در این شرایط گرفته می‌شوند، در پیوند با نقشی که تهدیدهای داخلی در این کشورها ایجاد کرده‌اند، می‌توان درک کرد. نظریه "توازن جامع" بنا را بر این می‌گذارد که کشورهای جهان سوم بهتر است به جای اینکه خود را در برابر «آنا‌رشی» جهانی حفظ کنند، این «آنا‌رشی» را در جای دیگر ایجاد کنند. سیاست کشورهای جهان سوم نمونه کوچک‌تری است از سیاست‌های جهانی است. حفظ توازن همان‌گونه که در روابط بین کشورها حیاتی است، برای گروه‌های درون کشور نیز اهمیت بسیار دارد.

ج) اهمیت مناطق کردنشین خاورمیانه

کردستان ترکیه

کردستان ترکیه نام غیررسمی بخش شرقی ترکیه است که ساکنان آن کردها هستند. در این منطقه که ۳۰ درصد از خاک ترکیه را در جنوب شرقی و شرق آن در بر گرفته است؛ حدود دوسوم کردهای ترکیه سکونت دارند. در مجموع حدود نیمی از کردهای جهان در ترکیه زندگی می‌کنند. کردها بزرگترین گروه قومی غیر ترک در ترکیه هستند. به دلیل همین تعداد جمعیت بالا، کردها می‌توانند به عنوان یک تهدید هویت ملی در ترکیه برآورد شوند (U.S. Library of Congress). جمعیت کردهای ترکیه که دولت تا سالهای اخیر آنان را "ترک‌های کوهستان" می‌خواند، در حدود ۲۰ درصد جمعیت ترکیه برآورد شده است (Yildiz, 2005: 2).

کردها در ۱۴ استان ترکیه (مانند حکاری، وان، آغری، قارص، سیرت، تبلیس، موشی، دیار بکر، بینگول، تونجل، درسیم، ماردین، اورفا، آدیامان و آلازیغ) بیشترین جمعیت را تشکیل می‌دهند. در دوره عثمانی کردها بارها علیه سلطه ترک‌ها شورش کرده بودند. با تجزیه امپراتوری عثمانی و بسته شدن پیمان سور در سال ۱۹۲۰ ایجاد دولت کردستان در قلمرو پیشین امپراتوری عثمانی منظور شد. سپس پیمان لوزان در سال ۱۹۲۳ جایگزین پیمان سور شد

و ترکیه به رهبری آتاتورک و با حمایت غرب مانع تشکیل کردستان در امپراتوری پیشین عثمانی شد. در پرتو پیروزی‌های چشمگیر مصطفی کمال پاشا (آتاتورک)، بر اساس پیمان لوزان، دولت نوین ترکیه با حاکمیت کمالیسم به رسمیت شناخته شد. با ممنوع شدن مظاهر هویت کردی مانند زبان و پوشش، از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۹، سلسله‌ای از شورش‌ها در میان کردها بر علیه دولت مرکزی ترکیه شکل گرفت.^۱ دولت مرکزی ترکیه همه شورش‌ها را سرکوب کرد. جنگ و درگیری نظامی سبب شده بسیاری از کردهای ترکیه به استانبول مهاجرت کنند، به گونه‌ای که استانبول به بزرگترین شهر کردنشین ترکیه تبدیل شده است. فقر، بیکاری، محرومیت در نواحی جنوب شرقی و شرق ترکیه، موجب پدید آمدن گروه پکک از دهه ۱۹۷۰ شده است. پکک خواستار خودمختاری مناطق کردنشین است. از نظر تأثیرات بیرونی نیز با توجه به پراکندگی کردها در درون مرزهای چهار کشور همسایه، وضعیت کردها در هر یک از این چهار کشور، تأثیر به‌سزایی در کشورهای دیگر داشته است.

کردستان ایران

در ایران کردها در بخش‌هایی از شمال غربی و غرب کشور و عمدتاً در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام زندگی می‌کنند. هم‌چنین گروه‌های دیگری از کردها در خراسان شمالی ساکن هستند. کردهای بسیاری هم در شهرهای بزرگی چون تهران و مشهد زندگی می‌کنند. در مناطق غربی کردنشین ایران نیز پیش و پس از انقلاب اسلامی تحریک‌های سیاسی مهمی وجود داشته است، که دولت مرکزی همواره برای حل و فصل اساسی آن تلاش کرده است. این مناطق در دوره‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی از اهمیت برخوردار بوده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی کردها را مانند دیگر قومیت‌ها تأمین کرده است.

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد سیاست‌های آتاتورک و نقش آن در هویت و مسئله کردی به گزارش زیر نگاه کنید:

Turkey's Kurdish Question: Historic Foundations and Contemporary Issues, 27 June, 2016, Afro-Middle East Centre.

کردستان عراق

گردهای عراق در منطقه‌ای کوهستانی با نزدیک به ۶ میلیون نفر جمعیت، در استان‌های دهوک، اربیل، سلیمانیه، کرکوک، دیاله و نینوا زندگی می‌کنند. پس از حمله عراق به کویت و وضع ممنوعیت پرواز عراق به بالای خط ۳۶ درجه در سال ۱۹۹۱، کردهای عراق توانستند حکومت خودگردان خود را تأسیس کنند. آنها با حل اختلاف‌های خود و قیام علیه رژیم حزب بعث عراق، حکومت این منطقه را بر عهده گرفتند. پس از کمک ترکیه به آمریکا برای سرنگونی رژیم بعث عراق و همکاری کردها با آنان، حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان حکومت اقلیم کردستان در عراق را تشکیل دادند.

کردستان سوریه

مناطق کردنشین سوریه در شمال و شمال شرقی سوریه است که بخشی از استان‌های حسکه، رقه و حلب را در بر می‌گیرد. شمار زیادی از آنان در شهرهای بزرگ، مانند حلب و دمشق زندگی می‌کنند. کردها (مانند ترکیه و عراق)، بزرگ‌ترین گروه اقلیت نژادی در سوریه نیز هستند. طبق امار، جمعیت کردها کمتر از ۱۰ درصد جمعیت سوریه است (www.cia.gov). پس از به قدرت رسیدن حزب بعث، رویکرد ضد قومی در سوریه گسترش یافت. زمین‌های کشاورزان ساکن مناطقی مانند الحرزکه و قامیشلو مصادره شد. وضعیت کردها در سوریه در مقایسه با دیگر کشورها ناگوارتر گزارش شده است. در سوریه کردها یا سنی شافعی هستند و یا شیعه علوی که در میانشان ایزدی هم دیده می‌شود. پس از تحولات سوریه و جنگ داخلی در این کشور، کردها در سه منطقه جداگانه حکومت‌های محلی برپا کردند.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- مسئله کردی در ترکیه

کردها که از ابتدا بخشی از امپراتوری‌های ایرانی ماد، هخامنشی، پارتی، اشکانی و ساسانی بودند، پس از اندک زمانی با استمرار حکومت عثمانی پی بردند که سلاطین عثمانی به دنبال

ترکی کردن اکراد جامعه خود هستند و به‌ویژه تلاش می‌کنند کردها را از مذهب شافعی به مذهب حنفی در بیاورند. با این حال، در دوره حکومت عثمانی یک فرآیند سازمان‌یافته قیام کردی شکل نگرفت، زیرا کردها در آن دوران، ساختاری بسیار پراکنده و متفرق داشتند. کردها در دوره عثمانی در میان کوهستان‌های بلند از جمله در اربیل، قندیل و دیاربکر محصور بودند. همین موضوع سبب دورافتادگی آنها از یکدیگر و مانع ایجاد یک فرآیند سازمان‌یافته قوم‌گرایانه در بین اکراد شد. با این حال نخستین حلقه‌های روشنفکری کردی در این عصر پدید آمد. نخبگان جامعه کرد ترکیه در سال‌های ۱۸۸۹ تا ۱۹۰۸ با استفاده از درگیری عثمانی‌ها در جنگ با اروپا و شدت مسائل داخلی توانستند محکم‌ترین قدمهای خود را برای ایجاد "دولت اکراد ترکیه" بردارند. بیشترین مشکل نظامی و امنیتی با کردها از زمان آتاتورک و حکومت ترکیه بود. ترکیه با نفی نژاد کرد، اصرار بر نژاد ترک کردها داشت. نزاع تاریخی ترکها و کردها نیز همواره وجود داشته است. انکار هویتی کردهای ترکیه توسط دولت‌های مرکزی با وجود مساحت و جمعیت قابل توجه مناطق کردنشین، آنان را با بحران هویتی رو به رو کرده است.

نگرانی ترکیه از مسئله کردی در دو بعد داخلی و خارجی قابل بررسی است. ناسازگاری قومیتی و هویتی بین کردها و ترکها به دلایل فرهنگی زبانی و مذهبی موجب ناسازگاری مداوم و مستمر دولت ترکیه و کردها و ترس از تجزیه‌طلبی کردها بوده است. کردها در داخل مرزهای چهار کشور همسایه پراکنده شده‌اند. وضعیت کردها در هر یک از این چهار کشور، تأثیر جدی در کشورهای دیگر خواهد داشت. مسئله کردها همچون نقطه ضعفی برای دولت‌های ترکیه از گذشته تا به حال بوده است. قدرت‌های بیرونی و همسایگان این کشور همواره از «عامل کردی»، برای اعمال فشار بر این کشور استفاده کرده‌اند. ارتش ترکیه در سال ۱۹۹۵، در شمال عراق حملات گسترده‌ای را برای سرکوب و تعقیب عوامل پکک انجام داد، اما روابط نزدیک ترکیه با آمریکا و متحدان اروپایی سبب کاهش فشارهای بین‌المللی بر این کشور در مورد اجرای سیاست سرکوب کردها شد. هرچند دولت‌های آلمان و فرانسه

سیاست‌های ترکیه را در شمال اروپا محکوم کردند، در همان سال ۱۹۹۵ ورود ترکیه به اتحادیه گمرکی اروپا مورد تصویب قرار گرفت (Yildiz, 2005: 126). سپس در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷، نیروهای امنیتی ترکیه در حملاتی شدید، خسارات سنگینی به پکک، به‌ویژه در شمال عراق وارد کردند. در بسیاری از شهرک‌ها و شهرها، توان نظامی پکک به‌طور چشمگیری تضعیف شد.

از سال ۱۹۹۹ با آغاز گفتگوهای رسمی میان ترکیه و اتحادیه اروپا برای عضویت ترکیه، مباحث بیشتری در مورد حقوق افراد و گروه‌های قومی در ترکیه مطرح شد. دستگیری رهبر پکک در فوریه ۱۹۹۹ نه‌تنها با ایجاد یک فضای سیاسی مانع روند اصلاحات سیاسی اقتصادی شد، بلکه در روند امنیت‌سازی ترکیه نیز تأثیر داشت (Aras & Polat, 2008: 499). حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲، سبب دگرگونی آشکاری در عرصه داخلی، نقش منطقه‌ای و نیز جهانی ترکیه شده است. رهبران این حزب که کاهش نقش نظامیان در حکومت در را در دستور کار داشته‌اند، این کشور را به اقتصاد جهانی پیوند داده و به اصلاحات اقتصادی برای ورود به اتحادیه اروپا سرعت بخشیدند. آنها تأکید داشته‌اند که برنامه‌ای برای تأسیس دولت اسلامی در ترکیه ندارند. از نظر آنها مذهب مهم‌ترین نهاد بشری است؛ غیردینی شدن نیز پیش‌نیاز دموکراسی است که ضامن آزادی مذهب هم است. احمد داووداوغلو، نظریه‌پرداز سیاست خارجی ترکیه در این دوره، این کشور را پل کشورهای اسلامی و کشورهای پیشرفته مسیحی خواند. او ایفای این نقش را الزامی برآمده از ژئوپلیتیک کشورش دانست (Grigoriadis, 2015: 6). در این دوره حکومت خودگردان کردستان عراق شناسایی شد و کنسولگری ترکیه در اربیل گشایش یافت. داووداوغلو بر اهمیت عراق برای دسترسی به خلیج فارس تأکید کرد. اجرای شعارهای حزب عدالت و توسعه با ایجاد فرصت‌های جدید در ترکیه برای کردها همراه شد. اهمیت رابطه با اتحاد اروپا در برآوردن اهداف اقتصادی این حزب، تأمین حقوق شهروندی کردها را الزامی ساخت. در سال ۲۰۰۹ نخستین شبکه کردزبان راه‌اندازی شد و تعدادی از اعضای پکک از مرزهای شمال عراق به کشور

برگشتند (Grigoriadis, 2015: 7). از سال ۲۰۱۳ تلاشی برای حل مشکل پکک و حکومت ترکیه آغاز شد و آتش‌بس در مارس همین سال اعلام و رهبر پکک از زندان آزاد شد (Gabbay, 2014: 22).

۴-۲- مسئله کردی و روابط ایران و ترکیه

روابط ایران و ترکیه در طول سالها فراز و نشیب زیادی را در پرتو تحولات داخلی در دو کشور، منطقه و جهان در برداشته است. یکی از موضوع‌های مهم در روابط دو کشور، مسئله کردها و فعالیت‌های آنان از یکسو و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از سوی دیگر در بهره‌برداری از این تلاش‌ها در جهت تأمین اهداف و منافع آنان بوده است. مسائل کردها بر روابط ایران و ترکیه با سوریه هم تأثیر داشته است. هر سه کشور اقلیت قابل توجهی از کردها را در خود جای داده‌اند. پراکندگی کردها از یکسو و گسترش فرآیندهای دموکراتیک‌سازی در این کشورها، با ایجاد فرصت برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همراه شده است. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ در ایران، با رویکرد محتاطانه ترکیه روبه‌رو شد (Özcan, and Özdamar, 2010: 101-105). تهاجم عراق به ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ نگرانی‌های ترکیه را تشدید کرد. با توجه به آشفتگی اوضاع سیاسی ترکیه، نیروهای مسلح بی‌گمان می‌خواستند اقدام‌های احتیاطی لازم را انجام دهند، در همه استان‌های کردنشین حکومت نظامی برقرار کنند و جلوی آشوب و آشفتگی را بگیرند. حکومت نظامی (۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳) توان حکومت را در سرکوب حرکت‌های اسلامی و نیز پکک افزایش داد و امکان مبارزه با تبلیغات اسلامی را فراهم کرد. نگرانی اصلی ترکیه این بود که بغداد دیگر قادر به اداره شمال عراق نباشد و حزب دموکرات کردستان عراق یا اتحادیه میهنی کردستان یا هر دو با پکک همکاری کنند: پکک در سال‌های اولیه جنگ در شمال عراق و شمال ایران پایگاه زده بود. حزب دموکرات کردستان و پکک موافقتنامه‌ای موسوم به «اصول همبستگی» امضا و توافق کرده بودند علیه دشمن مشترک همکاری کنند. در مجموع می‌توان گفت پس از انقلاب اسلامی، روابط دو کشور ایران و ترکیه در کشاکش تنش و همکاری‌های تاکتیکی قرار

گرفت (Hentov, 2011: 28).

مشکل مهمی که در پیوند با مسئله کردها بین آنکارا و تهران بروز کرد، نتیجه عملیات نظامی ترکیه در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ و ۱۹۹۷ در شمال عراق بود. شمار نیروهایی که در این تهاجم‌ها شرکت داشتند از ۱۰۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۲ به ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ نفر در ۱۹۹۷ افزایش یافت. پاسخ ایران به این تهاجم سکوت بود، اما با اتحاد ترکیه با نیروهای متحدین به رهبری آمریکا در جنگ خلیج فارس، ایران به اهداف ترکیه بدبین بود. هر دو کشور در این که مانع از این شوند که سیل جمعیت کردها به مرزهایشان سرازیر شوند، ادراک مشترک داشتند. هیچ‌یک از دو کشور نمی‌خواستند کردها آن اندازه ضعیف شوند که صدام حسین بتواند آنها را در جهت مقاصد خود تحریک کند. ایران مایل بود بارزانی یا طالبانی نیروهای خود را به کمک شیعه‌ها در شورش‌های پس از جنگ بفرستند. تهران همچنین مایل بود که کردها در بیرون راندن مجاهدین خلق از پایگاهشان در عراق به آن یاری کنند. آنکارا مانند همیشه می‌خواست مانع از این شود که وضع کردهای عراق بر کردهای ترکیه تأثیر بگذارد. به همین دلیل آنکارا از اندیشه ایجاد «منطقه امن» در شمال عراق حمایت کرد. پیشنهاد ایجاد منطقه امن پیش از آنکه توسط جان میجر نخست‌وزیر بریتانیای عنوان شود، از سوی تورگوت اوزال رئیس جمهور ترکیه مطرح شد (Olsen, 2005: 185-192).

ایرانی‌ها چندان به «منطقه امن» خوشبین نبودند و مخالف کاربرد نیروی نظامی و عملیات تأمین رفاه بودند. ایران بیم داشت که «منطقه امن» به سپری برای گروه‌های ضدحکومت، به‌ویژه حزب دموکرات کردستان ایران تبدیل شود. از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ آنکارا آماده بود حزب دموکرات کردستان ایران را به‌عنوان اهرمی برای ادعای بازداشتن ایران از حمایت پکک به‌کار برد. در پاسخ به حمایت‌های ترکیه از حکومت اقلیم کردستان، حزب دموکرات کردستان در برابر پکک عملیاتی را طراحی و اجرا کرد (Stein and Bleek, 2012: 143-150). برخی از تحلیل‌گران مدعی بودند کمک‌های ایران به پکک، هم در شمال عراق و هم در اردوگاه‌های شمال ایران، در برابر کمک‌های ترکیه به حزب دموکرات کردستان ایران بود.

ایران از سال ۱۹۹۳ نیازمند شرایطی بود که بتواند حمایت خود را از این گروه انکار کند، تا آنکارا هم در مقابل حمایت‌های بیشتری را در اختیار گروه‌های ایرانی مخالف حکومت، به‌ویژه مجاهدین خلق، در ترکیه یا در عراق قرار ندهد. از سال ۱۹۹۲ تا سال ۱۹۹۸ هر دو کشور به‌سود خود دیدند که مسائل فرامرزی کردها در شمال عراق را، به شیوه‌ای اداره کنند که از آثار آن بر کردهای سرزمین خود بکاهند.

حضور اسلام‌گرایان در مسند قدرت در ترکیه، سبب بهبود و گسترش روابط دو کشور شد. در جریان اعمال فشار دولت ترکیه بر سوریه برای بازگرداندن عبدالله اوجالان رهبر پ‌ک‌ک به این کشور، ایران کوشید بر رابطه ترکیه و سوریه تأثیر گذاشت و مانع تیرگی روابط دو کشور شود (Calabrese, 1998). جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از شرایط ممتاز ژئوپلیتیکی‌اش، در زمینه رفع تنش میان همسایگان خود بسیار فعال بوده است. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ سبب شد دیدگاه‌های ایران- ترکیه و سوریه در مسیر مقاومت در برابر تقاضاهای کردها برای خودمختاری نزدیکتر شود. سوریه همواره یکی از پایگاه‌های پ‌ک‌ک و مبارزه آن علیه ترکیه بوده است. امکانات آموزشی و پشتیبانی برای کمک به مبارزه پ‌ک‌ک با دولت ترکیه در این کشور فراهم شده بود. اختلاف‌های ارضی سوریه با ترکیه، به‌ویژه در مورد استان هاتای و نزدیکی آن به اسرائیل دشمن سوریه، برای توجیه و تداوم این سیاست از سوی ترکیه کفایت می‌کرد. برنامه ترکیه برای توسعه جنوب شرقی آناتولی (گاپ) نه تنها محل سکونت بسیاری از کردها را نابود می‌کرد، بلکه تأمین آب در عراق و سوریه را نیز با تهدید روبه‌رو می‌ساخت (Güner, 1997: 107). موضوع چگونگی مصرف آب و اجرای این طرح، بحث‌های بسیاری را در روابط سه کشور و مناطق کردنشین آنها ایجاد کرد (Oktav, 2003: 91-117). مصرف گسترده آب رودخانه فرات در سرزمین‌های شمالی در ترکیه، به‌طور جدی بر فعالیت‌های کشاورزی در بخش‌های جنوبی تأثیر منفی داشته است.

ترکیه همواره از حمایت خارجی از کردها به‌شدت بیمناک بوده است. پارلمان ترکیه با اکثریت قاطع، قانونی را تصویب کرد که به ارتش این کشور اجازه می‌داد در صورت ضرورت،

عملیات فرامرزی انجام دهد. این قانون به‌طور مشخص پ‌ک‌ک را مورد نظر قرار داده بود. اجماع نیروهای داخلی ترکیه برای سرکوب جدایی‌طلبی سبب شد ترک‌ها قاطعانه نسبت به مسئله کردها واکنش نشان دهند. از همان ابتدای تشکیل حکومت خودمختار کردستان در عراق، ترکیه در صدد برآمد با حملات مکرر و عمق خاک عراق حزب کارگران کرد (پ‌ک‌ک) را تحت فشار بگذارد. بسیاری از تحلیلگران عقیده دارند انگیزه ترکیه از این دست‌اندازیها، اهمیت استراتژیک و ژئواکونومیک منطقه است و هر زمان که روابط عراق با غرب دوستانه نبوده (مانند دوره وفاداری عبدالکریم قاسم)، یا دولتهای عراق ضعیف بوده‌اند (مانند سال ۱۹۸۳ در جریان جنگ ایران و عراق و از سال ۱۹۹۱ به بعد)، ترکیه در صدد اجرای اهداف توسعه‌طلبانه خود برآمده است. در پی به‌قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، همکاری ایران و ترکیه وارد مرحله جدید شد. سیاست خارجی این حزب که توسط داود اوغلو طراحی و اجرا شد، همکاری‌های اقتصادی و سیاسی دو کشور را در مسیری رو به گسترش قرار داد. آثار این همکاری در مورد گروه‌های مبارز در مناطق کردنشین هر دو کشور و نیز سوریه بازتاب یافت. در سیاست داخلی ترکیه نیز در مسیر الزامات پیوستن به اتحادیه اروپا در مسئله کردها تغییرات آشکاری شکل گرفت. رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه در سال ۲۰۰۵ از اشتباه‌هایی که در مورد کردها رخ داده بود، سخن گفت. اهمیت رابطه با اتحاد اروپا در برآوردن اهداف اقتصادی حزب عدالت و توسعه، تأمین حقوق شهروندی کردها را الزامی - ساخت (Tokmajyan, 2012). موضوع مبارزه کردها در شرایط متحول پس از جنگ سرد، تبدیل مبارزه نظامی آنها به سیاسی را ضروری ساخته است.

۴-۲-۱- اختلاف دو کشور در برخی مواضع سیاسی

الف) برخلاف روابط تنش‌آلود ایران و آمریکا، ترکیه در دوران جنگ سرد و پس از آن همواره در کنار آمریکا بوده است (Afzali and Hosseini, 2009: 53). در سال ۲۰۰۳ در دیدگاه‌های دو کشور، به‌ویژه در مورد منطقه شمال عراق شکاف بیشتر شد. داوود اوغلو همکاری ترکیه و آمریکا را «مصلحتی» خوانده که نوع ویژه‌ای از روابط راهبردی است. اهمیت

ژئوپلیتیکی ترکیه در غرب آسیا و در اتصال با اروپا، آن را به یک سرمایه امنیتی برای آمریکا تبدیل کرده است. پایگاه اینجریلیک ترکیه، بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در منطقه و در همان حال این کشور مرکز استراق سمع آمریکا در منطقه است. ترکیه توانست با حمایت کامل آمریکا به مسیر اصلی انتقال انرژی از دریای خزر به سوی اروپا تبدیل شود. رویارویی سیاسی این کشور با روسیه در تنگه‌های بسفر و داردانل در نیمه دهه ۱۹۹۰ و پافشاری ترکیه بر محدود کردن انتقال نفت از این مسیر، اثربخش بود.

آینده روابط ایران و آمریکا، روابط آن با ترکیه را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. ترکیه مانند بسیاری از کشورهای دیگر از تحولات روابط ایران و آمریکا، در دهه‌های اخیر بسیار بهره برده است. ترکیه با افزایش و گسترش روابط خود با ایران، کوشیده برای ملاحظه دغدغه‌های امنیتی خود بر آمریکا فشار بیاورد. در صورت تضمین ثبات و حفظ تمامیت ارضی عراق و فشار آمریکا بر پکک، جنبه رقابتی ترکیه برای ایران، می‌تواند بسیار بیش از همکاری آن باشد.

استراتژی سیاست خارجی ترکیه ورود به اتحادیه اروپا است. بنابراین، نگاه نخبگان ترکیه با نگاه منفی و بدبینانه مقام‌های ایرانی به تمدن غرب متفاوت است. ترکیه می‌کوشد دستاوردهای تمدن اروپا را به خاورمیانه انتقال دهد و در میان کشورهای منطقه، مناسب‌ترین شرایط را برای اجرای ارزشهای غربی و تحقق دموکراسی ارائه کند. انجام اقدام‌های اصلاحی به‌ویژه در مورد حقوق کردها، می‌تواند امیدواری به عضویت اتحادیه اروپا را بیشتر کند (Aras & Polat, 2008: 517). سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی ترکیه از طریق اتحادیه اروپا انجام می‌شود. حتی رشد صنعت گردشگری ترکیه مدیون رابطه با غرب است. بنابراین ترکیه با اعمال سیاست‌های اتحادیه اروپا در چارچوب نظام سرمایه‌داری غرب و در قالب اتحادیه و ناتو و می‌تواند برای ایران چالش‌هایی ایجاد کند.

ب) در مورد روابط ترکیه با اسرائیل، با وجود برخی چالش‌ها میان این دو کشور، به‌نظر نمی‌رسد ترکیه روابط خود را با اسرائیل قطع کند. ترکیه هم به لابی اسرائیل در آمریکا و

اتحادیه اروپا نیاز جدی دارد و هم بدون مذاکره با اسرائیل مسائل سرزمینی و امنیتی آن حل نشدنی است. با این حال تحت تأثیر انتخابات آینده و افکار عمومی ضد اسرائیلی داخل ترکیه و نیز بحث‌های مربوط به آینده کردها، چالش‌های میان دو کشور باقی می‌ماند. توافق‌های استراتژیک دهه ۱۹۹۰ میان دو کشور، حتی مورد پذیرش اربکان اسلام‌گرا هم قرار گرفته بود. بسیاری در ترکیه، اسرائیل را کشوری غرب‌گرا و مانند خود قربانی تروریسم می‌دانند که دشمنی مشترک به نام اسلام افراطی آنها را تهدید می‌کند. اردوغان، در مه ۲۰۰۵، در سفر به اسرائیل بر همکاری‌های نظامی، تسلیحاتی و اطلاعاتی تأکید کرد و اینکه اگر مداخلات آمریکا نبود، ترکیه می‌توانست صلح اسرائیل با کشورهای منطقه را به نتیجه برساند. نظامیان ترکیه هنوز هم به دلیل دستگیری عبدالله اوجالان رهبر پ‌ک‌ک، خود را مدیون اسرائیل می‌دانند و براین باورند که دو کشور در مسائل آسیای مرکزی و قفقاز باید در برابر ایران، با هم همکاری کنند. ترکیه برای ارتقاء توان نظامی خود به اسرائیل نیازمند است و تلاش می‌کند روابط خود را با اسرائیل حفظ کند، ولی در همان حال در پی ایجاد روابط حسنه با کشورهای مسلمان منطقه نیز می‌باشد.

پ) از نظر تاریخی ترکیه و ایران نفوذ پایداری در آسیای مرکزی و قفقاز داشته‌اند. این مناطق گذشته از رقابت‌های آمریکا و روسیه، عرصه رقابت ترکیه و ایران نیز بوده است (Koolae, 2009). ملاحظاتی ترکیه در مسائل جمهوری آذربایجان و نگرانی ایران از حضور اروپا و آمریکا، به‌ویژه ناتو در قفقاز جنوبی، سبب تشدید رقابت دو کشور شده است. ترکیه گسترش پان‌ترکیسم در آسیای مرکزی و قفقاز را دنبال کرده و روابط گسترده اقتصادی و سیاسی با این کشورها داشته است. همین شرایط جمهوری اسلامی ایران را نیز به تحرك در این منطقه واداشته است. ایران همواره نسبت به نزدیکی ترکیه و موقعیت آن در این منطقه حساس بوده است.

ت) می‌توان گفت عوامل نزدیکی ایران و ترکیه، به‌گونه‌ای و در شرایط خاص، می‌توانند سبب تشدید اختلاف‌های دو کشور نیز باشند. از جمله در لبنان، سوریه و عراق، ایران حضور

بیشتری دارد. با تلاش ترکیه برای نفوذ در این کشورها، ممکن است در آینده آنها هم عرصه رقابت دو کشور شوند. در اواخر سال ۲۰۱۰ وزیر امور خارجه ترکیه به کردستان عراق سفر کرد. دو روز پس از آن بارزانی رئیس اقلیم کردستان به تهران سفر کرد. در همان هنگام وزیر خزانهداری آمریکا به ترکیه برای خودداری از معامله با ایران هشدار داد. سپس عبدالله گل رییس جمهوری وقت ترکیه اعلام کرد ایران اتمی را نمی‌پذیرد. این رویکرد پیام معنی‌داری برای ایران داشت که روابط حسنه دو کشور، ضمانتی برای آینده نیست.

ترکیه در سالهای اخیر به‌منظور پیگیری استراتژی افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی‌اش در داخل ایران از طریق ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن به‌عنوان نوعی اعمال قدرت تلاش نموده است نفوذ خود در ایران را افزایش دهد. به‌طوری‌که توانمندی‌های داخلی ایران در خدمت منافع ترکیه باشد و ایران به‌طور مستقیم نتواند با جهان تعامل داشته باشد. از طرفی تحولات اخیر جهان عرب فرصت مناسبی برای قدرتهای منطقه‌ای مانند ایران، عربستان سعودی و ترکیه فراهم نمود تا خلأ قدرت به‌وجود آمده در منطقه را پر نموده و جایگاه خود در سلسله مراتب قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی ارتقا دهند (Mousavi & Others, 2016: 176-177).

موضوع سپر دفاع موشکی نیز سیاست خارجی ترکیه در مورد ایران را با چالش مواجه ساخت. این موضوع در خود ترکیه نیز مشکلات بسیاری ایجاد کرده است. طرح موضوع سپر دفاع موشکی می‌تواند واکنش به مواضع ضداسرائیلی ترکیه و دور کردن مواضع آن از ایران باشد. از آنجا که این سپر دفاعی مورد توافق ناتو و ایالات متحده و نیز اتحادیه اروپاست، ترکیه فشارهای زیادی را پذیرا شد. اردوغان اعلام کرده که اگر توجیه استقرار سپر دفاعی ضد موشکی «ایران» باشد، آن را مستقر نخواهد کرد.

در مجموع، آنکارا کوشید برای ثبات منطقه، نوعی موازنه در برابر ایالات متحده ایجاد کند. ترکیه حمایت از ایران را در برابر حمایت آمریکا از کردهای عراق دنبال کرد. با توجه به اینکه، در صورت برخورد نظامی، امنیت ترکیه بیش از امنیت هر کشور دیگری به‌خطر می‌افتد، این کشور به‌شدت از هر جنگ دیگری در منطقه پرهیز می‌کند، در عین حال که دارای روابط مهم

اقتصادی با ایران نیز می‌باشد.

۴-۲-۲- همکاری ترکیه و ایران برای جلوگیری از پیدایی یک کشور کُرد

با اینکه ایران و ترکیه با حمایت آمریکا و اروپا در پشتیبانی از «منطقه» خودمختار در شمال عراق موافقت کرده بودند، هر دو کشور در این موضوع اتفاق نظر داشتند که به سود آنها نیست که یک کشور مستقل کُرد در این «منطقه» ایجاد شود. پیش از سقوط صدام حسین، ایران و ترکیه در برخورد با مسأله کردها، با وجود برخی اختلاف نظرها، برای هماهنگ‌سازی سیاست‌های خود تلاش می‌کردند (Hale, 2007: 32-34). از سال ۱۹۹۳ ترکها، ایرانی‌ها و نیز سوری‌ها که نمی‌خواستند یک کشور کُرد در شمال عراق تشکیل شود، برای جلوگیری از چنین رخدادی، موافقت‌نامه‌هایی را امضا کردند. برای ایران جلب سوریه به پیوستن به این قراردادها، امنیتی ساده بود، زیرا از دهه ۱۹۹۰ قراردادهایی در زمینه‌های مختلف با آن امضا کرده بود. با وجود اختلاف نظرهای مهمی که در میان ترکیه و سوریه در مورد جنبه‌های مختلف مسائل کُردها و توزیع و تقسیم آب فرات وجود داشت، دو کشور برای جلوگیری از پیدایش یک کشور کُرد در شمال عراق دست همکاری به هم دادند (Lundgren, 2007: 85-86). هر سه کشور بر این باور بودند که این هدفی است که ایالات متحد آمریکا و اروپا در پی آن هستند (Olsen, 2005: 160-175).

برخی از موافقت‌نامه‌های ترکیه و ایران برای جلوگیری از پیدایش یک کشور کُرد در نشست‌های امنیتی در دوره سلیمان دمیرل و هاشمی رفسنجانی شکل گرفته بود. این موافقت‌نامه‌ها تا سال ۱۹۹۵ از چند جنبه مهم بودند: تهدید ملی‌گرایی کُردی برای هر دو، به‌ویژه پکک برای ترکیه اهمیت داشت. رهبران ترکیه هم ریشه‌های جدایی‌طلبی کردی و هم بنیادگرایی اسلامی را به عوامل و منابع خارجی نسبت می‌دادند (Aras & Polat, 2008: 496). ایران و ترکیه بیش از آنچه غرب می‌پنداشت، درباره سیاست‌های آتی خود در قفقاز، به‌ویژه در پیوند با جمهوری آذربایجان و ارمنستان و مشکل ناگورنو قره‌باغ و نیز حضور روزافزون روسیه در منطقه، حاضر به همکاری بودند. امضای موافقت‌نامه‌ها از این حکایت

می‌کرد که دو کشور آماده هستند در سیاست‌های گُردی در شمال عراق هماهنگی داشته باشند. این موضوع علیه منافع هر دو کشور برآورد شده بود و در دسره‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی برای هر دو کشور ایجاد می‌کرد، ولی همچنان تضادها بر نگرانی‌ها دامن می‌زد. نیروهای ۵ هزار نفری آیت الله حکیم در کردستان عراق موجب نگرانی ترکیه بود.

کشورهای منطقه از ایران تا سوریه و ترکیه با شکل‌گیری اقلیم کردستان در سوریه مخالف هستند. در این حال کشوری که بیشترین آسیب را از این موضوع می‌بیند ترکیه است. چرا که کردهایی که در منطقه حسکه و قامشلی استقرار پیدا کرده‌اند، هوادار و یا عضو پ‌ک‌ک هستند و با ترکیه دشمنی دارند. یعنی اکنون نیز مرزی در حدود ۴۰۰ کیلومتر در اختیار کردهای سوریه است. آنان می‌توانند تهدیدی برای امنیت ملی ترکیه در آینده باشند (Islamtimes.org). هرچند ایران و ترکیه تشکیل حکومت خودمختار کردی را در عراق پذیرفتند، ولی هیچیک آن را آغازی برای تشکیل دولت مستقل و یکپارچه کردی برآورد نکردند (Lenore and Keridis, 2004: 84-91).

۴-۳- نظریه "توازن جامع" و روابط ایران و ترکیه

همان‌طور که در بخش نظری گفته شد، کشورهای جهان سوم ترجیح می‌دهند با دشمنان و مخالفان درجه دوم خود همکاری کنند تا بتوانند منابع و امکانات خود را متوجه دشمنان خطرناک‌ترشان سازند. آنها کوشش می‌کنند در صف‌آرایی‌ها علیه خود شکاف بیندازند و متحدان جهانی مخالفان داخلی را آرام کنند. جنبه اساسی «توازن جامع» این است که تصمیم‌هایی که در این شرایط گرفته می‌شوند، در پیوند با نقشی که تهدیدهای داخلی در این کشورها ایجاد کرده‌اند، می‌توان درک کرد. در ادامه از مدل «توازن جامع» بهره‌برداری شده است، با این استثنا که در پیوند با ایران و ترکیه به‌جای رهبران، نظام‌های موجود در این رویارویی مورد توجه قرار می‌گیرند. بارزترین جنبه «توازن جامع» این است که برخلاف مدل‌های واقع‌گرا و نواقع‌گرا، مرکز توجه، نه تهدیدهای خارجی بلکه تهدیدهای داخلی است که نظام را تهدید می‌کند (David, 1991: 56-190).

بر اساس نظریه "توازن جامع"، کشورهای جهان سوم بهتر است به جای اینکه خود را در برابر «آنارشی» جهانی حفظ کنند، این «آنارشی» را در جای دیگر ایجاد کنند. سیاست کشورهای جهان سوم نمونه کوچک‌تری از سیاست‌های جهانی است. حفظ توازن همان‌گونه که در روابط بین کشورها حیاتی است، برای گروه‌های درون کشور نیز اهمیت بسیار دارد. نظریه توازن جامع برخلاف نظریه‌های قدرت، بر آن است که کشورهای جهان سوم صف‌آرایی‌ها و گروه‌بندی خود را بر اساس درک و دریافت خویش از این موضوع قرار دهند که چگونه می‌توانند به‌گونه بهتری، خود را از تهدیدهایی (داخلی یا خارجی) که با آن روبه‌رو هستند، حفظ کنند. منطقه امنی که نیروهای متحدین به رهبری ایالات متحده آمریکا در پی جنگ سال ۱۹۹۱ خلیج فارس در عراق برای کردها ایجاد کردند، نمونه خوبی است از ایجاد «آنارشی» به جای ایجاد آرامش در سیاست جهانی. «توازن جامع» بر این پایه با نظریه قدرت تفاوت دارد که «کشورهایی که از داخل مورد تهدید واقع شده‌اند، به احتمال زیاد ضعیف‌اند و در این صورت بر توازن جهانی قدرت تأثیر ندارند». در حالی که ایران و ترکیه با توجه به مؤلفه‌های قدرت، کشورهای ضعیفی نیستند و ناتوانی‌شان در بازداشتن جنبش ملی‌گردی، به‌ویژه از تأسیس یک کشور گُرد، بر توازن جهانی تأثیرگذار است.

یکی از مشخصه‌های قدرت‌های متوسط منطقه‌ای این است که آنها از نظر اقتصادی و تکنولوژی وابسته‌اند. آنها برای اینکه از این وابستگی بکاهند، باید به اقتصادشان تنوع بخشند. در این راستا می‌توان از تشکیل سازمان اقتصادی اکو با اهداف اقتصادی نام برد؛ هرچند همواره چالش‌های ژئوپلیتیکی در تضعیف همگرایی در میان کشورهای عضو اکو در مقابل عوامل تقویت همگرایی مؤثرتر عمل کرده‌اند (Hafeznia & Others, 2012: 36).

در مورد ترکیه و ایران باید گفت که قدرت‌های منطقه‌ای موانع بالقوه‌ای هستند که مانع شکل‌گیری برتری «ابرقدرتی» جهانی می‌شوند. هرچند به دلیل تمایل ترکیه به غرب، این نقش را در منطقه بیشتر ایران ایفا می‌کند. ایران می‌تواند مانعی جدی در برابر برتری ابرقدرتی باشد.

قدرت‌های متوسط به‌طور کلی می‌توانند از انزوا و مداخله نظامی از سوی قدرت‌های بزرگ در امان باشند، زیرا ممکن است قدرت‌های بزرگ در مقابل رقیبان، به حمایت آنها نیاز پیدا کنند. حتی قدرت بزرگی که با آنها دشمنی می‌ورزند، معمولاً از حمله به آنها اجتناب می‌کند.

ترکیه و ایران با آرزوهای قدرت‌های متوسط سعی می‌کنند با متوازن کردن تأثیر منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ بر استقلال خود بیفزایند: هرچه نفوذ قدرت‌های بزرگ بیشتر؛ کوشش قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه و ایران در محدود کردن وسعت و دامنه این نفوذ بیشتر. در بیست سال گذشته تلاش ایران در این جهت بسیار بیش از کوشش‌های ترکیه بوده است. تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای و ام‌القرای جهان اسلام را می‌توان اصلی‌ترین محرکه‌های ایران در این مسیر برآورد کرد. جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت ایدئولوژیک خود، توانایی و ظرفیت فراوان جمعیتی، سرزمینی، اقتصادی، ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیکی و موقعیت استراتژیک در خاورمیانه، به‌طور طبیعی تمایل دارد به قدرت برتر منطقه‌ای تبدیل شود و از این راه، دیدگاه‌ها و اهداف ایدئولوژیک سیاست خارجی خود را پیش ببرد؛ از نفوذ دشمنان خود در منطقه جلوگیری کند و به‌عنوان مدل و الگوی اصلی کشورهای منطقه مطرح شود (Cetinsaya, 2003: 162).

ترکیه هم در دو دهه اخیر تلاش کرده به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در مناطق متعدد مانند بالکان، آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و حوزه مدیترانه فعالیت کند. این کشور در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای گوناگون عضویت داشته و سعی کرده به‌عنوان یکی از اعضای تأثیرگذار این سازمان‌ها معرفی شود. در دوره حکومت اسلام‌گرایان، توجه ترکیه بیشتر به خاورمیانه معطوف شده و تلاش داشته که در منطقه خاورمیانه به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای مطرح شود. از نظر مفهومی، قدرت منطقه‌ای کشوری است که تصمیم‌ها، سیاست‌ها و طرح‌های آن از سوی کشورهای دیگر منطقه با دقت و جدیت مورد ملاحظه قرار گیرد.

ترکیه و ایران سعی کرده‌اند با متوازن کردن تأثیر منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ استقلال عمل خود را افزایش دهند. با افزایش نفوذ آمریکا و متحدان آن در عراق و پیرامون آن، کوشش

ترکیه و ایران هم در محدودکردن وسعت و دامنه این نفوذ بیشتر شده است. ترکیه حاضر نشد برای سرنگونسازی رژیم صدام حسین به دولت آمریکا کمک کند. اشغال عراق موجب همکاری بیشتر ایران و ترکیه شد (Lerner, 2010). هر دو کشور با وجود رقابت‌هایی در منطقه، خواستار حفظ تمامیت ارضی خود، کاهش نفوذ آمریکا و اسرائیل به‌ویژه در شمال عراق بودند ترکیه اقدام نظامی آمریکا در عراق را تهدید امنیتی می‌دانست و خواستار حل و فصل سیاسی مسئله صدام حسین بود ایران نیز در این دیدگاه با رهبران ترکیه شریک بود. هم ترکیه و هم ایران مدل سیاست‌گذاری دیوانسالارانه را دنبال می‌کنند که در آن سیاست خارجی را «نخبگانی» می‌سازند که با هم در رقابت هستند و منافع و علایق متفاوت دارند. مدل سیاست‌گذاری دیوانسالاری بر این نکته نیز تأکید دارد که «رئیس دولت» این توانایی و قابلیت را دارد که بین گروه‌ها داوری کند و این موضوع «در تعقیب یک سیاست خارجی معقول به «توازن جامعه» استقلال می‌بخشد» (Ramezani, 1987: 20-30). دولت به حمایت طبقات داخلی نیاز دارد و افکار عمومی هم دارای نقش است. در چنین مدلی سیاست خارجی، سلاحی در مبارزه سیاسی داخلی است. نقش مسئله کردی پس از جنگ خلیج‌فارس در سیاست‌های ترکیه، نمونه این مدل است.

۵- نتیجه‌گیری

در پی تغییرات جاری در ژئوپلیتیک خاورمیانه از دهه ۱۹۹۰، روابط ایران و ترکیه نیز با تحولات بسیاری همراه شده است. با نگاهی به روابط ایران و ترکیه در سال‌های اخیر، می‌توان دریافت هر چند دو کشور در پی افزایش نفوذ خود در منطقه بوده‌اند، اما مسئله کردی دو کشور را برای تأمین امنیت داخلی و منطقه‌ای به‌سوی همکاری پیش برده است. موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه، به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی بر پیچیدگی روابط دو کشور افزوده است. در قفقاز و آسیای مرکزی که به عرصه "بازی بزرگ جدید" تبدیل شده، موضوع انتقال انرژی از دریای خزر یکی از مهمترین عرصه‌های رقابت دو کشور در شرایط پس از نظام دوقطبی بوده است. این برآورد قابل تأمل در مورد سرکوب پکک توسط آنکارا، مطرح

شده است که هموارکردن مسیر انتقال انرژی از باکو به سوی اروپا، نیازمند تأمین امنیت در سرزمین‌هایی بوده که مبارزات کردها، آن را برای ایفای این نقش ناامن و غیرقابل توجیه ساخته بود. به هرحال ترکیه توانست مسائل کردها را با جلب حمایت بین‌المللی، به‌ویژه آمریکا، در سرکوب پکک حل و فصل کند. ایران نیز در شرایط تداوم سیاست مهار از سوی آمریکا، پذیرای این نقش ترکیه شده است.

بر اساس مدل «موازنه قوا و توازن جامع» ایران و ترکیه اگر بخواهند همچنان در منطقه‌ای که در آن نفوذ صورت گرفته، در جایگاه قدرت‌های متوسط باقی بمانند، منافع آنها ایجاب می‌کند مدیریت مسئله کردها را به‌گونه‌ای انجام دهند که منافع وسیع‌تر ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و اقتصادی‌شان را تهدید نکنند. رقابت دو کشور در کردستان عراق و سعی در تأثیر بر تحولات مناطق کردنشین سوریه پس از جنگ داخلی در این کشور، حملات داعش علیه کوبانی، رقابت‌های دو کشور را به سوی تنش برد. در این رقابت‌ها گاه ایران پیروز بوده و گاه نیز ترکیه تأثیرگذاری و منافع سیاسی - اقتصادی بیشتری در مناطق کردنشین داشته است.

راهکارهای پیش‌روی ایران در مسئله کردی

تأثیر بحران‌های محیط پیرامونی بر امنیت هر کشور به‌ویژه در مواردی است که بحران قومیتی و تحرکات استقلال‌طلبی نیز به آن اضافه می‌شود. همواره وجود قومیت‌ها در ورای مرزهای واحدهای سیاسی یکی از مسائل مهم ژئوپلیتیکی و منبع تنش نهفته‌ای است که در شرایط بحرانی امکان بروز و ظهور آن وجود دارد. مسئله کردی با سابقه مبارزاتی و خواست کردها برای استقلال و تشکیل یک واحد ملی به‌ویژه در دو کشور عراق و ترکیه امروز موضوعی تنش‌آفرین شده است. در بحث مسئله کردی توجه به چند نکته بسیار اهمیت دارد:

- مسئله کردی در ایران باید با ماهیتی متفاوت از مسئله کردی در کشور ترکیه، به‌ویژه عراق یا سوریه، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد؛

- نقش جدیدی که کردها در تحولات منطقه ایفا می‌کنند، با حمایت قدرتهای فرامنطقه‌ای شکل جدیدی به خود گرفته و بی‌تردید در تغییر نقشه جغرافیایی منطقه و مرزهای آینده تأثیر

خواهد داشت؛

- عامل کردی در ترکیه متأثر از تحولات کردی در عراق و سوریه و تأثیر آن در معادلات منطقه‌ای غیرقابل انکار است؛
- ایران با درک عمیق و ترسیم تصویر واقع‌بینانه و صحیح از ماهیت مسئله کردی می‌تواند به طرق مؤثری نقش‌آفرینی کند. به عبارتی شاید ایران تنها کشوری در محیط پیرامونی بحران کردی باشد که با ثبات سیاسی خود، قادر است تاحدودی بی‌ثباتی منطقه و مناطق پیرامونی را مدیریت کند. از جمله راهکارهای ایران در دو سطح ملی و فراملی عبارت است از:
- همکاری نزدیک با دو کشور ترکیه و عراق در حل مسالمت‌آمیز مسائل کردی در دو کشور؛
- مدیریت بحران کردی در سوریه با استفاده از نفوذ و قدرت بی‌بدیل ایران در سوریه؛
- همکاری نزدیک با اکراد منطقه و کمک به تحقق خواسته‌های مشروع و قانونی آنان؛
- به دست‌گیری ابتکار عمل در ارائه راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای حل مشکل کردی در منطقه؛
- فعالیت و همکاری با بازیگران دولتی و غیردولتی به موازات هم و فعال کردن سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل و کمیسیون‌های تخصصی سازمان ملل متحد در حل مسئله.

۶- قدردانی

نگارنده‌گان از «مرکز مطالعات بین‌المللی و منطقه‌ای دانشگاه جورج تاون قطر» و رئیس آن دکتر مهران کامروا که انگیزه و امکان انجام این پژوهش را فراهم آوردند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنند.

References

1. Afzali, Rasool and Hosseini, Majid (2008), "The Study of Turkey Geopolitical Development and Its Effect on Iran", *International Quarterly of Geopolitics*, Vol.4, No.1, 151-176[in Persian].
2. Amini Gheshlaghi Davood & Mohammadbagher Chokhachizadeh Mogaddam (2010), *Grounds behind Insecurity in Border Areas of West Azerbaijan Province from the Viewpoint of Military-Security Geography*, *International Quarterly of Geopolitics*, No.3, pp.186-210 [in Persian].
3. Aras, Bulent and Rabia Karakaya Polat (2008), "From Conflict to Cooperation: Desecuritization of Turkey's Relations with Syria and Iran," *Security Dialogue*, No. 5, 496.
4. Calabrese, John (1998), "Turkey and Iran: Limits of a Stable Relationship", *British Journal of Middle Eastern Studies*, No. 1.
5. Cetinsaya, Gokhan (2003), "Essential Friends and Natural Enemies: The Historic Roots of Turkish-Iranian Relations," *Middle East Review of International Affairs*, No. 3, September 2003.
6. David, Steven R (1991), "Explaining Third World Alignment", *World Politics*, Vol. 43, No. 2, pp. 233-256.
7. Grigoriadis, Loannis N (2010), *The Davutoğlu Doctrine and Turkish Foreign Policy*, Hellenic Foundation for European and Foreign Policy, Eliamep, accessed on: 22 May 2015.
8. Gabbay Shaul M., *State Borders vs (2014), Cultural Historical and Religious Social Networks: The Case of Turkish Kurds', Kurds in Iraq - and Their Struggle for Self Determination*, *European Scientific Journal*, Vol. 10, No. 29 , p.22.
9. Güner Serdar, (1997), "The Turkish-Syrian War of Attrition the Water Dispute", *Studies in Conflict and Terrorism*, Vol. 20, No. p. 107.
10. Hafeznia Mohammadreza; Mokhtari Hashi, Hossein and Roknedin Eftekhari Adoreza (2012), *Geopolitical Challenges of Regional Integration-Case study: Economic Cooperation Organization (ECO)*, *International Quarterly of Geopolitics*, Vol.8, No.1, pp. 1-41[in Persian].
11. Hale, William (2007), *Turkey, the U.S. and Iraq*, London: Saqi Books.
12. Hentov Elliot (2011), *Turkey's global Strategy: Turkey and Iran*, IDEAS Report, London School of Economics and Political Science, London.
13. Koolae Elahé (2009), *The New Great Game in Central Asia*, Tehran: Foreign Ministry Publication[in Persian].
14. Lerner, Barbara (2010), "Losing Turkey to the Islamists", *National Review*, <http://www.nationalreview.com/article/243584/losing-turkey-islamists-barbara-lerner>

15. Lundgren, Asa (2007), *The Unwelcome Neighbor: Turkey's Kurdish Policy*, London: I. B. Tauris.
16. Lenore, Martin and Dimitris Keridis, eds (2004), *The Future of Turkish Policy*, Cambridge: The MIT Press.
17. Mousavi Hafez and Others (2016), *The Impact of Arab World Upheavals on Iran-Turkey Regional Policies*, *International Quarterly of Geopolitics*, No.1, pp.166-188[in Persian].
18. Oktav Özden Zeynep (2003), "Water Dispute and Kurdish Separatism in Turkish-Syrian Relations", *The Turkish Yearbook*, Vol. xxxiv, pp.91-117.
19. Olson Robert (2005), *Kurdish Problem and Iran-Turkey Relations*, translated to Persian by: Ibrahim Yonessi, Tehran: Paniz Publications[in Persian].
20. Ramezani, Rohollah (1987), *Theoretical Framework for Iran's Foreign Policy*, Tehran: Nashr Ney Publications[in Persian].
21. Soft Balancing in Turkish Foreign Policy: The Case of the 2003 "Iraq War," 34, <http://sam.gov.tr/wp-content/uploads/2012/02/MuratYesiltas.pdf>.
22. Stein, Aaron and Philip C. Bleek (2012) "Turkish-Iranian Relations: From "Friends with Benefits" to "It's Complicated," *Insight Turkey*, No. 4, pp. 143-150.
23. Stratford (2004) Pan-Kurdish Nationalism, Analysis, www.stratfor.com/analysis/pan-kurdish-nationalism.
24. Tokmajyan, Armenak (2012), "Turkey, Syria, and the Kurds", *The Washington Review of Turkish & Eurasia Affairs*, <http://www.thewashingtonreview.org/articles/turkey-syria-and-the-kurds.html>.
25. *Turkey's Kurdish Question: Historic Foundations and Contemporary Issues*, 27 June, 2016, Afro-Middle East Centre.
26. U.S. Library of Congress, <http://countrystudies.us/turkey/28.htm>.
27. Waltz, Kenneth N (1967), "International Structure, National Force, and the Balance of World Power", *Journal of International Affairs*, Vol. 21, No. 2, 215-231.
28. Yildiz Kerim (2005), *The Kurds in Turkey, EU Accession and Human Rights*, London: Pluto Press.
29. <http://islamtimes.org/fa/doc/article/290473>.
30. www.cia.gov.
31. <http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid=06&depid=44&semid=1219>.